

فصل اول:  
کلیات تحقیق

ادبیات هر کشوری متأثر از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن کشور است. شاعران و نویسندگان در دورانی که بیگانگان بر کشورشان حکومت می‌کنند؛ مسلماً با ابزار قلم مبارزه‌ای را علیه ایادی بیگانه آغاز می‌کنند و چه بسا در این مبارزه از همراهی مردم نیز برخوردار شوند. کشور تونس نیز در برهه‌ای از تاریخ (یعنی قرن بیستم) زیر استعمار کشور اروپایی فرانسه قرار داشت. شاعران این کشور از جمله ابوالقاسم شابی مبارزه‌ای را علیه استعمار به قصد آگاه ساختن مردم رنج دیده آغاز نمودند. کشور تونس پیش از آنکه زیر استعمار فرانسه قرار گیرد؛ حدود سه قرن تحت تسلط ترکان عثمانی بود. تسلط ترکان عثماني بر این کشور، باعث عقب ماندگی این کشورها در زمینه‌های مختلف مادی و فکری شده بود. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، فرانسوی‌ها جای ترکان را گرفتند. آنها در اواخر قرن نوزدهم (در سال ۱۸۸۱م) به بهانه‌های مختلف از جمله قاچاق اسلحه، تونس را اشغال کردند. این حادثه، تبعات سوئی بر جا گذاشت و باعث متزلزل شدن اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور گردید؛ اما آزادی خواهان تونسی که از جریان‌های فکری مشرق عربی نظیر مبارزات استعمار ستیزانه سید جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده در کشورهایی چون مصر الهام گرفته بودند زندگی زیر سلطه استعمار بیگانه را پذیرا نبودند. آنها از همان ابتدا به مخالفت با استعمار فرانسه برخاستند و به مبارزه مسلحانه روی آوردند. بعدها به دلیل قدرت نظامی فرانسه خط مشی خود را تغییر داده و به مبارزه سیاسی متوسل شدند و احزاب و تشکل‌های گوناگونی را به وجود آوردند که از جمله می‌توان به حزب تونسی «الفتاة» و حزب مشروطه خواهان اشاره نمود.

ادبای برجسته تونس نیز به نوبه خود در ایجاد تفکر انقلابی در میان مردم، نقش بسزایی ایفا نمودند، که از جمله این ادبا، می‌توان به «ابوالقاسم شابی»، به عنوان شاعر اصلاح طلب اشاره کرد که مخالفت شدید او با استعمار و استبداد زبانزد عام و خاص گردید.

شابی در طول دوران تحصیلی خود در دانشگاه «الزیتونیه» و «دانشکده حقوق» نسبت به اوضاع نا بسامان کشور خود توجه خاصی نشان می‌داد، و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و ادبی مشارکت فعالی داشت؛ که می‌توان به مبارزه‌ی آزادی خواهانه او علیه استعمار فرانسه و به نقش برجسته او در تشکیل انجمن «جوانان مسلمان» و «انجمن دانشجویان دانشگاه الزیتونیه» و همکاری او با مجله «آپولو» قابل ذکر است. شابی برای پیشبرد اهداف اصلاح گرایانه خود به ایراد چند سخنرانی مهم پرداخت که «الخیال الشعری» و «هجرت نبوی» از جمله بارزترین این سخنرانی بودند.

ادبیات نوین عرب همچون ادبیات اقوام و ملل مختلف جهان، دچار تحوّل و دگرگونی عظیمی گشته است. این دگرگونی و تحول را می توان در گرایش ادبا به مکاتب مختلف ادبی جستجو نمود. می توان از مکتب رمانتیسم به عنوان مکتبی نام برد که در آثار بسیاری از ادبای معاصر عرب تجلّی یافته است. رمانتیسم به عنوان یک مکتب ادبی که بر اساس اصول و پایه های فلسفی خاصی پی ریزی شده بود در اواخر قرن هیجدهم در اروپا نشأت گرفت و ادبیاتی را به وجود آورد که با قوانین و اصول مکتب کلاسیسم کاملاً مغایرت داشت و برخلاف مکتب کلاسیسم بر عنصر احساسات و رهایی از سلطه عقل تأکید داشت. به تدریج بستر رشد و نمو این مکتب در مناطق مختلفی از جهان گسترده تر شد، و ادبای عرب نیز به آن التفات نمودند. پیدایش و انتشار این تفکر در جهان عرب را می توان معلول عوامل ذیل دانست:

الف: تأسیس آموزشگاه ها به سبک غربی در کشورهای عربی.

ب: سفرهای علمی و آموزشی به کشورهای غربی.

ج: رشد فنّ ترجمه از زبان های غربی به عربی.

د: مهاجرت تعداد زیادی از ادیبان عرب به اروپا و کشورهای غربی به علت خفقان ناشی از استعمار.

هـ: ناتوانی قالب ادبیات مبتنی بر اصول کلاسیسم از در برگیری احساسات و عواطف جریحه دار انسانی که به علت استعمار و اوضاع نا بسامان کشورهای عربی به اوج خود رسیده بود.

به دنبال آشنایی ادبا با مکاتب ادبی غرب به ویژه رمانتیسم، ادیبان برجسته عرب برای گسترش و پیشبرد تفکر رمانتیکی در میان ادبای عرب، انجمن های ادبی «الدیوان»، «مهجر» و «آپولو» را تأسیس کردند. این انجمن ها که منادی نوگرایی بودند، توجه شاعران زیادی را در کشورهای مختلف عربی از جمله تونس به خود معطوف ساختند و باعث پیدایش یک جریان ادبی جدیدی در این کشورها شدند. شابی از حامیان تجدد و نوگرایی در شعر و از طرفداران مکتب رمانتیسم بود. او در آثار منظوم و مثنوی خود به دفاع از مفاهیم رمانتیکی و ترویج آن پرداخت.

در پژوهش حاضر، هدف ما بررسی مضامین و موضوعاتی است که شابی تحت تأثیر آنها قرار گرفته و حزن و اندوه را در شعر خود به عنوان برجسته ترین خصیصه شعر خود بازتاب داده است. با بررسی شعر وی، خواهیم دید که اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان شاعر موضوعاتی را بر شعر وی تحمیل نموده و تأمل شاعر در این موضوعات و انعکاس آنها در شعر وی فضایی حزن آلود و آکنده از غم و اندوه را در شعر وی ایجاد کرده است. برخی از این موضوعات جنبه سیاسی - اجتماعی دارند. از جمله جهل و نادانی مردم، سکوت علمای زمانه، عشق به وطن و...؛ و برخی از آنها از عواطف و احساسات شاعر تحت تأثیر شخصیت وی نشأت گرفته اند. این مضامین هم بر فضای فکری شعر شابی و هم بر موسیقی جاری در قصاید وی تأثیر نهاده؛ که موارد و

مصدق‌های آن با ارائه شواهد متعدد از دیوان وی به عینه نشان داده خواهد شد. در نهایت به این نتیجه دست یافته ایم که می‌توان عوامل مؤثر در ایجاد این حزن و اندوه را به دو بخش تقسیم نمود: الف) عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ب) عوامل فردی (شخصی).

الف) برخی مضامین متأثر از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که شاعر با آنها برخورد دارد. به عنوان مثال، شاعر با دیدن جهل و نادانی مردم و واکنش منفعلانه علمای زمانه از یک سو و سلطهٔ اجانب از سوی دیگر مضامینی را در شعر خود وارد و منعکس می‌سازد که در نهایت فضایی غم‌آلود را در شعر باعث می‌شود.

ب) شاعر تحت تأثیر غم و اندوه حاکم بر زندگی شخصی خود که مرگ عزیزان اش چون پدر و محبوبه اش و مسألهٔ بیماری و مشکلات مالی به وجود آورنده آن است؛ به مضامین رمانتیک گرایش پیدا کرده است. همچنین حس نوستالژی (غم غربت) که از مضامین و خصوصیات بارز ادبیات مبتنی بر اصول رمانتیسم می‌باشد؛ در شعر وی جلوه داشته است.

## ۲-۱- بیان مسأله

حزن و اندوه از جمله مضامین رایج در شعر شاعران عرب از ابتدا تاکنون بوده است. با نگاهی به اشعار شاعران برجستهٔ عرب، در دوره‌های مختلف به عینه می‌بینیم که هر شاعری بیان درد و اندوه را یکی از مضامین اصلی و عمدهٔ شعر خود قرار داده است. توضیح اینکه اگر در دوره‌های ابتدایی و اولیهٔ شعر عرب، غم و اندوه شاعر ناشی از پیش فردی شاعر در ارتباط با جهان اطرافش بود و عواملی چون مرگ عزیزان (پدر، مادر، برادر، معشوقه) و نیز دوری از یار محبوب و مرگ دوستان در جنگ‌های قبیله‌ای، پای این مضامین را به شعر وی باز می‌کرده؛ با پیشرفت جهان و قدم گذاشتن به دنیایی که روابط اجتماعی و سیاسی در آن پیچیده‌تر شده‌اند، مضامین یاد شده کم‌رنگ‌تر شده و عوامل اجتماعی و سیاسی بارزتر می‌شوند و شاعر در جایگاه فردی است که مسئولیت آگاه ساختن مردم را در برابر ظلم و جور اجنبی بر عهده دارد و این امر بالطبع فضای فکری و عاطفی شعر را به سوی حزن و اندوه ناشی از عوامل سیاسی و اجتماعی (عقب‌ماندگی‌ها، جهل و نادانی مردم و ...) سوق خواهد داد. در این پژوهش در پی آن هستیم که این عوامل را در شعر شاپی ردیابی کرده و نشان دهیم که وی به عنوان شاعری متعهد تا چه اندازه درگیر این مسائل بوده و چه اندازه از آنها تأثیر پذیرفته است. آیا این حزن و اندوه بر موسیقی شعر وی نیز تأثیر داشته است؟ شاعر چه اندازه توانسته با استفاده از ابزار موسیقی و لحن در شعر، حس غم و اندوه را به خواننده القا نماید؟ آیا عواملی غیر از عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در شکل دادن شعر وی مؤثر واقع شده‌اند؟ چه اندازه شاعر به سوی رمانتیسم

گرایش داشته است و آیا می توان وی را شاعری دانست که تماماً تحت تأثیر رمانتیسم بوده است؟ پاسخ به این سؤالات را با ارائه شواهد شعری از دیوان شابی و بررسی مضامین در متن پژوهش داده ایم.

### ۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

ضروری به نظر می رسد که علل و عوامل موجد حس غم و اندوه و گرایش به رمانتیسم در شعر شابی مورد توجه قرار گیرد و با ارائه نمونه هایی از دیوان وی، تبیین شود. برخی منتقدان ادبی، شابی را از پیروان رمانتیسم می دانند، رمانتیسمی که مهد آن در اروپاست، اما رمانتیسم در اشعار این شاعر بزرگ عرب، صبغه ی دیگری یافته است، به گونه ای که شابی را می توان شاعری رمانتیک از نوع خود دانست. به عبارت دیگر، رمانتیسم شابی ویژه ی اوست و به خوبی توانسته است رمانتیسمی از گونه ی خاص خود بنا نهد. با ظهور مدرسه ی «الدیوان» و گرایش ادبای «مہجر» نسبت به مکتب رمانتیسم بستر رشد و نمو آن در جهان عرب گسترده تر شد تا جایی که ادبیات و هنر تونس را تحت الشعاع خود قرار داد.

کتاب و مقالات و پایان نامه هایی با موضوعات متفاوت، در مورد این شاعر دردمند عرب به تالیف درآمده؛ اما چنین به نظر می رسد که تا کنون اشعار وی از این جنبه مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین ضرورت دارد که دیوان وی را از این جنبه بررسی نموده؛ به شیوه ای تحلیلی - توصیفی مصداق های این مضامین را در اشعار وی جستجو کنیم.

### ۴-۱- اهداف تحقیق

پژوهش حاضر، هدف زیر را دنبال می کند:

۱- بررسی و تحلیل عوامل پدیدآورنده اندوه در اشعار شابی از دو دیدگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دیدگاه فردی. به عبارت دیگر، با بررسی روحیات و شخصیت شاعر و توجه به مشکلات فردی وی از جمله مرگ عزیزان، بیماری و مشکلات مالی و با عنایت به مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمانه شاعر به کاوش در عوامل موجد این حس غم و اندوه پرداخته ایم؛ و پیامد ها و آثار آن را در اشعار وی با ارائه مثال هایی نشان داده ایم.

### ۵-۱- سؤالات تحقیق

۱- عوامل حزن و اندوه در شعر ابوالقاسم شابی چیست؟

- ۲- حزن اندوه در اشعار شابی چه تأثیری داشته است؟
- ۳- چرا ابوالقاسم شابی به طبیعت و غربت گرایی روی آورده است؟ آیا این امر متأثر از حزن و اندوه شاعر بوده است؟
- ۴- علل تناقض گویی شاعر چیست؟

## ۶-۱- فرضیه های تحقیق

- ۱- از دست دادن همسر، فوت پدر به عنوان مشکلات فردی و احساس مسئولیت نسبت به وطن (حس وطن پرستی)، مبارزه با استعمار و جهل و نادانی مردم از عوامل مهمی است که حزن و اندوه را در شعر شابی به وجود آورده است.
- ۲- مجموعه این عوامل که باعث ایجاد حزن و اندوه در شعر شابی شده، بر فضای عاطفی و موسیقایی شعر وی تأثیر داشته است.
- ۳- مشکلات یاد شده که در شعر شابی انعکاس داشته است باعث شده که شاعر به دامن طبیعت روی آورد و حس آرامش و رهایی را در مضامینی بجوید که با طبیعت پیوند خورده اند.
- ۴- تناقض گویی در اشعار شابی، پاره ای به دلیل تأثیر از اصول مکتب رمانتیسم و پاره ای به دلیل همین حزن و اندوه جاری در شعر وی می باشد. به گونه ای که وی در برخی مضامین از جمله مرگ و زندگی، عشق به بیان عقایدی متناقض دست می زند.

## ۷-۱- شیوه تحقیق

شیوه و اساس کار در این پژوهش با توجه به نظری بودن موضوع، کتابخانه ای است به این نحو که ابتدا کتاب ها و مقالات، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. سپس مطالب فیش برداری و طبقه بندی شده و در نهایت مطالب جمع بندی و مورد نقد و تحلیل قرار گرفت.

در تحلیل و بررسی مطالب نیز، پژوهش حاضر از شیوه تحلیلی- توصیفی بهره گرفته است. به این معنی که برای مطالب ذکر شده شواهدی از دیوان استخراج و مورد توصیف و بررسی قرار گرفته اند.

## ۸-۱- پیشینه تحقیق

در مورد ابوالقاسم شابی و اشعار ایشان مقالات زیادی نوشته شده لکن در مورد حزن و اندوه اش تحقیقی مستقل صورت نگرفته است. اگرچه بعضاً در مقالات اشاراتی به اندوه شاعر صورت گرفته است. کتاب‌ها و مقالات تالیف شده در مورد شابی، الإتجاهات و الحركات فی الشعر العربی الحدیث تالیف سلمی الخضر الجیوسی، الإلتزام فی الشعر العربی تالیف احمد ابوحاقه می باشد.

شبستری (۱۳۷۵) مفهوم اراده و جبر را در شعر این شاعر مورد بررسی قرار داده است. مهاجر نوعی (۱۳۸۲) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان «جلوه های زندگی در دیوان ابوالقاسم شابی» به این موضوع به طور مفصل پرداخته است. طایفه خانی (۱۳۸۴) نیز در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «شرح قصاید ابوالقاسم الشابی در موضوع عشق» به بررسی اشعار شابی و موضوع عشق در آنها پرداخته است. مقدم متقی (۱۳۸۵) در مقاله «مفهوم زندگی در شعر ابوالقاسم شابی» این مضمون را در شعر شابی بررسی نموده است. رضانی (۱۳۸۵) در کتاب «دغدغه آزادی: گذری بر افکار و آثار ابوالقاسم شابی شاعر مبارز تونس» نیز به بررسی وضعیت ادبی دوره معاصر و همچنین تحلیل برخی قصاید وی پرداخته است. مرامی و کشاورز (۱۳۸۸) در مقاله «ایهام تناقض میان زندگی و مرگ در اشعار ابی القاسم شابی» مسأله تناقض میان مرگ و زندگی را در شعر شابی بررسی نموده است. ممتحن و دیگران (۱۳۸۸) نیز با رویکردی تطبیقی در بررسی آرای سیاسی، به مقایسه رویکرد های سیاسی در شعر شابی و علامه اقبال لاهوری پرداخته اند. شریف پور و مدبری (۱۳۸۹) با رویکردی مبتنی بر ادبیات تطبیقی مسأله شعر و شاعری را از دیدگاه شابی و شاعر معاصر ایرانی، نادر نادرپور بررسی کرده اند. مهاجر نوعی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان «زندگی در دیوان اغانی الحیاه ابی القاسم شابی» این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. باقری (۱۳۸۹) مضامین رمانتیک را در شعر این شاعر عربی مورد توجه قرار داده است. آل بویه لنگرودی (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) در مقاله «جلوه های پایداری در شعر ابوالقاسم شابی نگاهی داشته است. همچنین آل بویه لنگرودی و مدبری (۱۳۹۰) در یک بررسی دیگر در حوزه ادبیات تطبیقی، رمانتیسم را در شعر شابی و نادر نادرپور بررسی نموده اند. فروغی نیا (۱۳۹۰) رمز و رمزگرایی در اشعار ابوالقاسم شابی را در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد مورد مطالعه قرار داده است. رسولی و فروغی نیا (۱۳۹۰) در قالب مقاله ای تحت عنوان «ابوالقاسم شابی میان رمانتیسم و سمبولیسم» به بررسی تأثیرات شابی از دو مکتب یاد شده پرداخته اند. لعکاشی (۱۳۹۰ = ۱۹۸۰ م) در رساله ای مظاهر ابداع فنی را در شعر شابی مورد بررسی قرار داده است.

## ۹-۱- ساختار تحقیق

این رساله در پنج فصل تنظیم شده است:

فصل اول: کلیات تحقیق که شامل مقدمه، بیان مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، فرضیه ها و اهداف تحقیق می باشد.

فصل دوم: از آنجایی که برای شناخت فرد باید محیط و اوضاع معاصرش را بشناسیم در این فصل به بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تونس در قرن بیستم (از آغاز خلافت عثمانی تا استعمار فرانسه) پرداخته ایم.

فصل سوم: در این فصل به زندگانی شاعر و مراحل تکوین شعر وی و ویژگی های هر دوره از شعر وی پرداخته ایم.

فصل چهارم: در این فصل به معنای لغوی و اصطلاحی حزن و دیدگاه قرآن و روایات نسبت به حزن پرداخته شده و سپس حزن در شعر عرب از دوره جاهلی تا دوره معاصر مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم: این فصل به بررسی مطالب و تحلیل و ارائه نمونه و شواهد از دیوان شابی اختصاص یافته است.

## ۱۰-۱- خلاصه

در این فصل ضمن معرفی مختصر اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان زندگی شابی و بیان مسأله و ضرورت تحقیق و بررسی مسأله حزن و انده در شعر وی به اهداف تحقیق اشاره کردیم و سؤالاتی را در مورد مضامین و اسلوب شعر وی مطرح نمودیم. همچنین چهار فرضیه را برای این سؤالات مطرح ساختیم که در سرتاسر پژوهش در پی اثبات این فرضیه ها بارائه نمونه ها و مثال ها خواهیم بود. شیوه تحقیق و پیشینه آن را به اجمال ذکر کرده و ساختار تحقیق و فصولی را که در پژوهش حاضر آمده بیان نمودیم. در فصل دو به اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تونس در زمان زندگی شابی خواهیم پرداخت.



فصل دوم:  
اوضاع سیاسی،  
اجتماعی، اقتصادی و  
فرهنگی تونس در قرن  
بیستم

## ۱-۲- اوضاع سیاسی

مسلمانان با تصرف تونس اسلام و زبان عربی را در این سرزمین و در میان مردمان شمال آفریقا رواج دادند. از آن زمان تاکنون فرهنگ حاکم در این کشورها فرهنگ اسلام است؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق مردم این مناطق مسلمان بوده و به زبان عربی صحبت می کنند و این زبان، زبان رسمی این کشور (و کشور های همسایه) شده است. با گذشت زمان و با توجه به حاکمیت خلفای اموی و عباسی، هر از چند گاهی زمزمه استقلال تونس از مرکز خلافت اسلامی به گوش می رسید. عبدالرحمن الفهری از جمله کسانی بود که توانست در زمان تشکیل دولت عباسی در بغداد، تونس را (که به آفریقیه نیز معروف بود) مستقل سازد. البته خلفای اموی و عباسی حد ممکن، از روند استقلال- طلبی این مناطق جلوگیری می کردند. به عنوان مثال، با تعیین یزید بن حاتم از طرف عباسیان به عنوان حاکم قیروان (پایتخت آفریقا) برای مدتی تمام کوشش های استقلال طلبانه بربرها متوقف شد. اما با مرگ یزید بن حاتم - که سخت گیری های فراوانی برای کنترل اوضاع نموده بود - در سال ۱۷۰ هجری (۷۸۷م) شمال آفریقا بار دیگر دچار ناآرامی شد. در این شرایط، از جمله در کشور تونس فعلی، گروه های مختلفی به قدرت رسیدند که مرکز خلافت نیز به ناچار با آنها مدارا می کرد و به این امر دلخوش بودند که حکام این مناطق در ظاهر امر خلیفه را به رسمیت می شناسند، اما در واقع خود حاکمان مستقلی محسوب می شدند. (شکری، بی تا: ۴۸).

در سال ۱۵۷۴م. این ناحیه از آفریقا به تصرف ترکها درآمد. تسلط ترکها سالها ادامه یافت و از طرف سلطان عثمانی نماینده ای با عنوان بی (Bey) در آنجا حکومت می کرد. در سال ۱۸۸۱م. به دنبال عهدنامه باردو (Bardo) دولت فرانسه، تحت حمایتی خود را بر تونس تحمیل نمود که تا شروع جنگ جهانی دوم ادامه یافت. در بحبوحه جنگ در سال ۱۹۴۲م. تونس مدت کوتاهی توسط آلمانها اشغال شد، ولی آلمانها یک سال بعد به دنبال عقب نشینی خود از آفریقا، این کشور را نیز تخلیه نمودند. (باقری، ۱۳۸۹: ۵ به نقل از لیب، بی تا: ۵۰).

### ۱-۱-۲- آزادی و استقلال تونس

فکر دست یابی به آزادی و کسب استقلال در تونس مانند سایر کشورهای آفریقایی که سالیان دراز میدان رقابت و کشمکش دولت های مستعمراتی اروپا بودند از مدت ها پیش وجود داشته است. پس از جنگ جهانی دوم مبارزات مردم تونس برای رسیدن به استقلال، دولت فرانسه را مجبور کرد استقلال این سرزمین را به رسمیت بشناسد (باقری، ۱۳۸۹: ۴ به نقل از شاهی، ۱۳۷۴: ۱۸).

تونس در سال ۱۸۸۱م توسط فرانسه اشغال شد. اما آزادی خواهان این سرزمین مدتی در مقابل استعمار فرانسه مقاومت کردند؛ فرانسه به بهانهٔ محافظت از مرزهای الجزایر در این کشور ماندگار شد. مجامع بین المللی فرانسه را یاری نمودند و از سوی دیگر بعضی از حاکمان محلی تونس به حکومت مرکزی فشار آوردند تا پاره ای از اصلاحات سیاسی و اجتماعی را در تونس محقق سازد (بیطار، ۱۹۸۴: ۸۱). طی این حوادث و به بهانهٔ مراقبت از مرزهای الجزایر، فرانسه محاکمهٔ «باردو» را بر حاکم تونس تحمیل کرد. که مفاد آن عبارت بود از:

- الف: قبایل شورشی تونس باید غنائم جنگی بپردازند و حکومت تونس مسئول جمع آوری غنائم است.
- ب: اجرای معاهده های بین تونس و دیگر کشورها بستگی به نظر حکومت فرانسه دارد.
- ج: حکومت تونس باید متعهد شود که برای جلوگیری از انتقال اسلحه به الجزایر هیچ گونه سلاحی وارد تونس نشود (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲ به نقل از لیب، بی تا: ۵۲).
- با این معاهده امکان هر نوع دخالتی در امور تونس برای فرانسه فراهم گشت. سیاست های فرانسه، در ارتباط با تونس به اجمال به این صورت بود:
- الف: تمام وظایف اداری به کارمندان فرانسوی داده شد. این کارمندان با پاداش های مالی وعده داده شدند که برای کار به تونس بیایند.
- ب: برای تمام خارجی ها تابعیت فرانسوی داده شد و پای یهودیان به این کشور باز شد.
- ج: زبان فرانسوی، جایگزین زبان عربی شد. اجازه ی ورود هیچ گونه کتاب عربی به این کشور داده نمی شد. در مقابل، کتابها و مجلات فرانسوی که بیشتر آنها مبتذل بودند؛ بازار را پر کرده بود.
- د: حکومت فرانسه مالکیت بر اراضی تونس را برای اروپائیان خصوصاً فرانسویان آسان نمود. برای این کار زمین های وقفی را در اختیار گرفت و با تبدیل این زمین ها به محله ها، آنها را در اختیار فرانسویان قرار داد.
- هـ: با وجود فرانسویان ساکن در تونس، فرانسه در امور تونس حرف اول را می زد تا جائیکه فرانسویان حاکمان حقیقی تونس گشتند. و هر لایحه ای را که موافق نظرشان نبود؛ رد می کردند.
- و: از نظر اداری فرانسه نظام اداری محلی از جمله شیخی را حفظ کرد و شهرهای تونس را به ۱۹ منطقه اداری تقسیم کرد. برای هر منطقه یک ناظر فرانسوی منصوب کرد تا در کارها حرف نهایی را بزند.
- ز: دولت فرانسه در تمام شهرهای تونس کارهای مهم را به فرانسویان سپرد و در تمام امور مالی و تجاری و بهداشتی و اجتماعی، فرانسویان ناظر بر تمامی کارها بودند.

ح: فرانسویان ساکن تونس از طرف دولت متبوعشان تشویق می شدند که منابع اقتصادی و صنایع بزرگ و واردات و صادرات تونس را در دست بگیرند. در نتیجه تمام امتیازات اقتصادی و مواصلاتی در اختیار این گروه قرار گرفت و تنها صنایع کوچک محلی در اختیار ساکنان تونس قرار داشت.

ط: فرانسه سیاست جهل عوام را در پیش گرفت که ضامن بقای حاکمیت اش بود. (باقری، ۱۳۸۹: ۱۴ به نقل از نقولا، ۱۹۹۱: ۸۱).

موارد مذکور تنها بخشی از استبداد و استعمار فرانسه در حق ملت تونس است؛ تونسی ها در مقابل سلطه سکوت اختیار نکردند؛ بلکه با شورش و تظاهرات در طی سالها توانستند به حقوق قانونی خود دست یابند. آزادی خواهان و روشنفکران تونسی دو برنامه مهم را در پیش گرفتند:

الف) مقاومت از داخل تونس؛

ب) مقاومت از خارج.

در داخل کشور از طریق احزاب مقاومت که نقش مهمی در فعالیت های ملی ایفا می نمود و در خارج به واسطه سخنرانی ها در مجامع بین المللی از حقوق از دست رفته خود دفاع می کردند. دانشجویان وفادار تونس در سال ۱۹۰۵م. توانستند نشریه «الحاضر» را به سردبیری علی ابو ششتر تأسیس کنند. فعالیت دانشجویان بیشتر در گرو ارتباط حرکت های تونسی با احزاب اسلام گرا بود. با برقراری ارتباط دانشجویان الزیتونیه با محمد عبده فعالیت این گروه ها مضاعف شد؛ تا اینکه بعدها، فعالیت های سیاسی به وسیله گروه های سازمان یافته انجام می گرفت و گروه «تونس الفتاة» با پیوستن به اعضای «الحاضر» قوی تر شد. علی پاشا که یکی از فعال ترین اعضای این حزب بود در آستانه زندانی شد (همان: ۸۰). عبد العزیز الثعالبی (۱۹۶۴-۱۸۷۹م) عضو اصلی حزب «تونس الفتاة» شد. نیروهای فرانسوی این حزب را تحت نظر داشتند و گاهی تحت فشار قرار می دادند. از این رو فعالیت های خود را در خفا انجام می دادند. این حزب با همکاری ثعالبی با گروهی از جوانان تربیت یافته مدارس فرانسوی، خواستار اصلاحات داخلی شدند و در سال ۱۹۱۹م. خواسته های مشروع شان را به حکام محلی و مردم ابلاغ نمودند و از طرف مردم و حاکمان محلی از آنها حمایت کردند و در نهایت حزبی مستقل بنام حزب «الدستور» تأسیس شد (العقاد، ۱۹۶۹: ۳۵۱ و ۳۵۲). مهمترین مطالبات و اهداف حزب «الدستور» عبارت بود از:

- ۱- ایجاد مجلس قانونی که دارای اختیاراتی در امور بودجه باشد.
- ۲- حکومت تونس در مقابل مجلس مسؤل و جواب گو باشد.
- ۳- تونس‌ی ها و فرانسویان مقیم تونس در حقوق و مزایا یکسان باشند.
- ۴- تونس‌ی ها حق فروش اراضی خود را داشته باشند.
- ۵- امکان فعالیت آزادانه احزاب و تشکّل ها در کشور تونس وجود داشته باشد.

اما فرانسوی ها، سیاست استعمارگری خود را ادامه می دادند. به دین و ملت تونس اهانت و هتک حرمت می کردند. برخی از اقداماتی که علیه تونس‌ی ها انجام دادند؛ عبارتند از:

الف) در سال ۱۹۲۵م تندیس یاد بود اسقف «الامجزی» را در شهر تونس گذاشتند که به اقدامی جهت تبلیغ و تشویق مسلمانان به خروج از دین شان مشهور گشت.

ب) نیروهای فرانسوی در سال ۱۹۳۱م به مناسبت پنجاهمین سالگرد اشغال کشور توسط فرانسه جشن های بزرگی برپا کرده و رئیس جمهور فرانسه را به تونس دعوت کردند. قسمتی از بودجه ی تونس به طور کامل هزینه این جشن ها شد. (باقری، ۱۳۸۹: ۱۸).

اوج اقدامات اهانت آمیز فرانسویان زمانی بود که دو میلیون فرانسوی، اقدام به برپایی کلیساهایی کردند که یکی از اسقف ها آن را مظهري از مجمع صلیبیان جدید خواند. این اقدامات اعضای این حزب را دوباره به میدان عمل کشاند. جوانان تحصیل کرده ی غرب با طبقه ی اشراف محافظه کار متحد شده و فعالیتهای سیاسی شان را آغاز کردند و نشریه «الصوت التونسی» را منتشر کردند (باقری، ۱۳۸۹: ۱۸).

## ۲-۲- اوضاع اجتماعی و اقتصادی

اوضاع سیاسی هر کشوری بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن تأثیر مستقیمی دارد. همانطور که اشاره شد؛ فرانسوی ها بر همه اوضاع تونس تسلط داشتند و در زمینه اقتصادی بهترین مزایا و امکانات به فرانسوی تبار اختصاص داشت؛ تا اینکه کار به جایی رسید که بیگانگان ساکن تونس، در زمینه تجارت و صنعت بر تونس‌ی ها پیشی گرفتند. زیرا به ابزارآلات کشاورزی و امکانات دسترسی داشتند. دولت فرانسه سیاست تبعیض را در دستور کار خود قرار داد. شرکت های فرانسوی قبل از جنگ جهانی دوم بهترین زمین های مساعد را در اختیار گرفته بودند و کارگران تونس در این مزارع با کمترین دستمزد به کار مشغول بودند.

تبعیض در این کشور جنبه آشکاری داشت. جدول زیر درآمد یک فرانسوی در تونس را در مقایسه با یک فرد تونسی نشان می دهد (خلف التیمی، ۱۹۹۸: ۴۷-۴۹).

پائین ترین حد دستمزد معادن و منابع زغال سنگ	بالاترین حد دستمزد معادن و منابع زغال سنگ
اروپائی : ۶ فرکات در روز تونسی: ۴ فرکات در روز	اروپائی : ۱۸ فرکات در روز تونسی : ۱۶ فرکات در روز
پائین ترین حد دستمزد مزارع و...	بالاترین حد دستمزد در مزارع و...
اروپائی : ۶ فرکات در روز تونسی : ۴ فرکات در روز	اروپائی : ۲۵ فرکات در روز تونسی: ۱۸ فرکات در روز

جدول شماره (۱): مقایسه درآمد یک فرد فرانسوی ساکن تونس با یک شهروند تونسی.

یکی دیگر از موارد تبعیض در مورد مردم تونس، «نظام خماسه» بود. نظامی که براساس آن کشاورزان از محصولات تولید شده خودشان محروم بودند و تنها مقدار یک پنجم این محصولات، به آنها تعلق می گرفت و حقوق کارگران نیز بر این مبنا پرداخت می شد (همان: ۵). از سوی دیگر، یهودیان تونس نقش مهمی در اقتصاد تونس ایفا می نمودند. آنها با اروپائی ها هم دست بودند و با دادن «ربا» به کارگران، کمر تونسی ها را زیر قرص خم کرده بودند. فرانسویان علاوه بر معادن بر بانک ها نیز سیطره داشتند. بانک های فرانسوی با دادن وام هایی با بهره بانکی موجب بدهکاری تونسی ها شده بودند. به همین دلیل تونس قبل از اینکه وابسته تجهیزات نظامی فرانسه باشد؛ وابسته اقتصادی این کشور استعمارگر بود. معادن فسفات و کشف آن برای شرکت های فرانسه، سود مضاعف دربرداشت. از این رو، یهودیان و اروپائیان اوضاع اقتصادی تونس را چه در زمینه تولید و چه در زمینه عرضه به دست گرفته بودند. اوضاع وخیم اقتصادی تأثیری منفی بر اوضاع اجتماعی مردم نهاد. از سوی دیگر در این کشور جهل و فقر همگانی شده بود و استعمار مانع پیشرفت تونس می شد. ملتی که در قید و بند استعمار گران باشد؛ چگونه می تواند به رشد و شکوفایی برسد؟

### ۳-۲- اوضاع فرهنگی و حرکت فکری و ادبی در تونس

کشور تونس در میان کشورهای آفریقای شمالی، از جریانات فکری کشور های عربی در شرق آفریقا بیشترین تأثیر را گرفته است، حرکت جمال الدین افغانی (۱۸۳۸-۱۸۹۷م) و شیخ محمد عبده (۱۹۰۵-۱۸۴۹م)

در مصر موجب ایجاد نهضت اصلاح تونس شد و بسیاری از پیشروان فعالیت ملی در تونس به شیخ محمد عبده پیوستند. وی به تونس آمد و اهل اندیشه را در تونس به تأسیس مدرسه «الخلدونیه» به شیوه ملی در مصر تشویق کرد (باقری، ۱۳۸۹: ۲۱).

بنابراین منابع حرکت ملی تونس با تشویق های شیخ محمد عبده، اغلب مبتنی بر اصول اسلامی بود. این اصول در موارد ذیل تأثیر گذار بود:

الف) در حرکت نوآوری که در مشرق زمین گسترش یافت و این جدای از احیای عقیده یا تجدد نظام سیاسی بود.

ب) در مراکز اسلامی موجود در تونس و در رأس همه آنها دانشگاه «الزیتونیه».

دانشگاهی که به وسیله «حفصیین» (گروهی از بربر های ساکن مغرب که از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۲ میلادی بر تونس حکم راندند و مؤسس دولت شان ابوزکریا یحیی بود) اداره می شد و آن را در قرن ۱۸م تأسیس کردند و از زمان تأسیس درکنار دانشگاه «الجامع»، نقش مهمی در فرهنگ اسلامی داشت. مواد درسی که در دانشگاه «الزیتونیه» تدریس می شد؛ تماماً به دین اسلام و بالطبع به زبان عربی گرایش داشت. از اوایل قرن ۲۰م تا حدی علوم گوناگون هر چند به صورت محدود به آن راه یافت. این مدرسه نقش مهم و متمایزی در حفظ زبان و فرهنگ عربی ایفا نمود و در مقابل اشغال ستمگراانه استعمار، که سعی در تضعیف فرهنگ عربی و جایگزین کردن فرهنگ غربی داشت؛ استوار ایستاد. (باقری، ۱۳۸۹: ۲۲).

برخی از بزرگترین اندیشمندان و اصلاح طلبان و هنرمندان، مانند عبدالعزیز ثعالبی و محمد الشاذلی عطا... (۱۸۹۹-۱۹۹۱م) و شیخ محمد بن الفاضلی ابن عاشور (۱۹۷۰-۱۹۰۹م) و ابوالقاسم الشابی از فارغ التحصیلان این دانشگاه هستند. از مراکز مرتبط با دانشگاه «الزیتونیه»، مدرسه «الخلدونیه» بود که در سال ۱۹۳۰م، بعد از دیدار شیخ محمد عبده از تونس تأسیس شد. این مرکز دبیرستانی است که در کنار علوم دینی، دیگر علوم زمانه نیز در آن تدریس می شد و در واقع دبیرستانی بود که به شیوه ای خاص طلاب را برای ورود به دانشگاه «الزیتونیه» آماده می کرد.

مدرسه «الصادقیه» از دیگر مراکز علمی تونس می باشد. این مرکز، دانشکده ای است که سابقه تأسیس آن به دوران صادق بای، حاکم محلی تونس، بر می گردد. کسی که اندکی قبل از اشغال فرانسوی ها، این مدرسه را در سال ۱۸۷۶م تأسیس کرد؛ تا زبان های اروپائی و علوم حدیث در آن آموزش داده شود. در حقیقت صادق بای یکی از سردمداران نهضت جدید تونس به شمار می رفت. نهضتی که از همان ابتدای کار توسط فرانسوی ها سرکوب شد؛ اما ریشه های آن باقی ماند تا بعد ها قدرتش را دوباره به دست آورد و نقش مهمی در حرکت دینی و ملی ایفا کرد. در سال ۱۹۰۵م گروهی از فارغ التحصیلان صادقیه که قبل از سیطره فرانسسه به تونس،

دولت آنها را برای اتمام تحصیلاتشان به خارج اعزام کرده بود؛ به تونس بازگشتند. آنها حامل اندیشه های آزادی خواهانه و بیداری مردم تونس و هدایت آنها بودند. از مشهورترین این افراد، «علی ابوشوشه»، صاحب امتیاز نشریه «الحاضرة»، بود که توانست با انتشار نشریه اش تشکلی نیرومند از دوستان فارغ التحصیل شده اش از مدرسه صادقیه و سایر فارغ التحصیلان از دانشگاه «الزیتونیه» را در یک جا جمع کند. آنها به فعالیت های دینی و ملی دست زدند. فعالیت هایی که هدف از آنها تقویت پیوندهای سرزمین تونس با حرکت جامعه ای اسلامی و ازسوی دیگر اجرای قانون تونس بود. (مکی، ۱۹۹۰: ۱۲۱).

اگرچه دانشگاه های بسیاری در کشور تونس وجود داشت؛ اما ابزار های عمومی برای آگاهی بخشیدن به عامه مردم کم بود. سه روزنامه «الصباح»، «النهضة» و «الزهرة»، که در درجه اول روزنامه اخبار سیاسی بودند؛ زمینه را برای گسترش محیط ادبی و فکری آماده کردند. همچنین نشریه «الرائد التونسي» که ارگان رسمی حکومت بود؛ چند صفحه ای را به تاریخ و ادبیات اختصاص می داد. (باقری، ۱۳۸۹: ۲۴ به نقل از نقولا، ۱۹۹۱: ۹۱).

از مهم ترین نشریه ها «الحاضرة» بود. به سردبیری علی ابوشوشه، فارغ التحصیل از مدرسه «الصادقیه» و دانش آموخته کشور های خارجی. این نشریه محل اجتماع اندیشمندان و وطن پرستانی شد مانند «بشیر صفر» (۱۹۱۷-۱۸۶۵م) و «عمر ابوحاجب» بود- اولین رئیس روزنامه های اسلامی - و شیخ «عبدالعزیز ثعالبی» (باقری، ۱۳۸۹: ۲۴؛ به نقل از العقاد، ۱۹۶۹: ۳۵۱-۳۵۲).

در تونس هفته نامه ها بیشتر از روزنامه ها چاپ می شد. مانند «الطلیعة» که ارگان رسمی حزب کمونیسم تونس بود. همچنین هفته نامه های «الکفاح» و «الإرادة». اما در این دوره جز مجله دانشگاه «الزیتونیه» که ماهنامه بود و بعداً تعطیل شد، هیچ مجله دیگری چاپ نمی شد. از این رو با توجه به اوضاع فرهنگی و ادبی این دوره می توان گفت که حیات ادبی در کشور های عربی غرب آفریقا (به طور عام) و در کشور های عربی شرق آفریقا (به طور خاص) مختص شهرها بود. چراکه عمده ترین فعالیت ها در این زمینه در شهرها متمرکز شده بود.

از منظر دیگر، صفت بارز ادبیات تونس در این دوره را می توان تقلید و محافظه کاری دانست. البته در برخی موارد تلاش هایی در جهت نوآوری به چشم می خورد که نتیجه تضاد و برخورد با استعمار و مبارزه با آن می باشد. به دنبال این تلاش ها، روح مبارزه طلبی و بیداری اجتماعی و آگاهی و شعور سیاسی در ملت عرب دمیده شد و شرایط برای رشد آزادی و آگاهی و استقلال طلبی فراهم گشت.

از نتایج این نزاع و برخورد با استعمار این بود که به وجود آمدن دوگانگی شخصیت در میان اعراب بود. برخی دارای این اندیشه بودند که بازگشت به قدیم و محافظت از عناصر شخصیت عربی و جوهر صحیح آن



را تکریم می نمود و برخی صاحب این فکر که گرایش به سوی غرب و آشنایی با آن و به کارگیری آن را به عنوان وسیله مشارکت صحیح در تمدن بشری، تقدیس می کرد. این مسأله در ادبیات منعکس شد و در نتیجه دو گرایش پدید آمد که یکی از آنها مکتب ادبی جدیدی بود که گروهی از روشنفکران مرتبط با تمدن جدید اروپا آن را رهبری می کردند و گرایش دوم در مدارس تقلیدی که جدای از تمدن اروپایی بودند؛ پدید آمد. حامیان مدرسه نوآوری بر این باور بودند که برای برانگیختن شعر راهی جز شعر زنده ای وجود ندارد که تعبیری از روح زمانه و تصویر زندگی از اوضاع تراژدی است (خلیفه، محمد التلیسی، بی تا: ۱۴-۱۳).

این نوآوری بر دو رکن استوار بود: رکن اول تجدد در معنا و مضمون با حفظ آهنگ قدیم. در تونس ابوالقاسم شابی سرآمد کسانی بود که نغمه های جدید و اشعار بر وزن گذشته ساخت. آنها در تلاش هایشان روشن کردند که آهنگ های قدیم توانایی قبول معانی جدید را دارد. رکن دوم نوآوری در ساختار یا بازی با اوزان و تبدیل قافیه ها، یا حتی کنار گذاشتن افاعیل است؛ آنگونه که امروزه شاهد آن هستیم (باقری، ۱۳۸۹: ۲۵ و ۲۶؛ به نقل از العقاد، ۱۹۶۹: ۲۸۲).

ادبیات حدیث در تونس به طور عام ادبیات انقلاب و جهاد است. در راه استقلال ادبیات با جهاد همکاری کرده و در خدمت انقلاب قرار گرفت و مفاهیم و اهداف آن را تعبیر کرد. به همین دلیل است که پیروان دو مکتب کلاسیسم و رومانسیسم در تونس اشعارشان را در دفاع از وطن و بزرگداشت انقلاب و استقلال می سرودند. هر دو گروه گاهی همدیگر را به جمود و تحجر متهم می ساختند.

#### ۴-۲- خلاصه

در این فصل ابتدا به اوضاع سیاسی کشور تونس و چگونگی سلطه کشور فرانسه بر آن بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی پرداختیم. آنگاه اوضاع اجتماعی و اقتصادی تونس را به طور اجمال بررسی نموده؛ به اوضاع فرهنگی و حرکت های ادبی در این دوره اشاره کردیم. در فصل بعد، زندگی و ابعاد شخصیتی ابوالقاسم شابی را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

فصل سوم:

زندگی و شخصیت

ابوالقاسم شابی

## ۱-۳- ولادت

ابوالقاسم شابی در ۲۴ فوریه سال ۱۹۰۹م در شهر توزر در کشور تونس زاده شد و نزد پدرش که قاضی بود و درس خوانده دانشگاه الازهر، آموزش‌های ابتدایی را آغاز کرد. در سال ۱۹۲۰م. به مدرسه‌ای در شهر زیتونه رفت و به فراگیری قرآن و ادبیات عربی پرداخت. گرایش شدید او به مطالعه و فراگیری فرهنگ نو و کهن، باورهای فرهنگی را در اندیشه او نیرومند ساخت و او را با اندیشه‌های جهان نو آشنا گردانید. او در پانزده سالگی شعر سرودن را آغاز نمود.

شابی در دوران دانشجویی با افکار آزادی‌خواهانه آشنا شد. او در سال ۱۹۳۰، تحصیلات خود را در دانشکده حقوق تونس به اتمام رساند؛ اما چون پدرش در قید حیات نبود، بار سنگین هزینه‌های خانواده هم به دوش او افتاد. ازدواج هم برای شابی شادمانی چندانی به همراه نداشت؛ حاصل این ازدواج دو فرزند بود. این وصلت، در نهایت به جدایی انجامید. ابوالقاسم الشابی سرانجام در نهم اکتبر ۱۹۳۴ بر اثر بیماری قلبی در بیمارستانی در تونس درگذشت. (هلاّره، ۱۹۹۴م: ۱۲۱-۱۲۲ و احمد و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳۴ و شکیب انصاری، ۱۳۸۲: ۱۹۲).

زندگی کوتاه، اما پر بار شابی از چندین زاویه قابل بررسی است: از سویی او نزدیک به شاعران مهاجر عرب در قاره آمریکا بود که تحت عنوان ادبیات مهاجر از آن یاد می‌شود؛ شاعرانی چون جبران خلیل جبران و میخائیل نعیمه و ایلیا ابوماضی از دیگر چهره‌های این جریان ادبی هستند. از سوی دیگر او از شعر فرانسه به ویژه مکتب رمانتیسم تأثیر پذیرفته است.

در این دروان نهضت بیداری سیاسی هم در میان ادیبان جهان عرب از مصر تا شام و عراق رواج داشت و شاعران برجسته‌ای در جهان عرب پدیدار شدند که هم نوگرا و تجدد طلب و هم مخالف استیلای غرب بر ملت‌های عرب بودند. از همین رو، رمانتیسم کسانی مثل شابی چهره‌ای اجتماعی‌تر داشت. در واقع در دوران میان دو جنگ جهانی این شاعر جوان یکی از پیشگامان نهضت رمانتیسم در جهان عرب شد.

شابی جوان که شاید شناخته‌ترین شاعر شمال آفریقا در میان شاعران امروز عرب باشد، در دوران ده ساله فعالیت ادبی اش شعر گفت و به فعالیت ادبی پرداخت. آثار برجسته‌ای به جای نهاد. زندگی شعری او گرچه با

بدبینی آغاز شد، اما در نهایت به خوش‌بینی انجامید و سرانجام با امید به تغییر و تحول، به ویژه در شعرهای اجتماعی‌اش، به پایان رسید.

## ۲-۳- زندگی و شخصیت ابوالقاسم شابی

شابی شخصیت عجیبی داشت که چهار عامل مهم، در شکل‌گیری آن و گرایش‌های فکری و شعری او، تأثیر گذاشته بود:

۱- بیماری شاعر؛ که موجب ایجاد روحیه بدبینی در وی شده بود.

شابی، آنگونه که دوستش محمد امین الشابی توصیف می‌کند؛ لاغر اندام، قد بلند، بدیهه‌سرا، حاضر جواب، دقیق، بشاش، کریم، دوست‌داشتنی، ستاره‌مجالس ادبی، علاقه‌مند به هم‌نشینی با ادبا و شنیدن کلامشان و عاشق ادبیات فکاهی بود. برای دشمنش زبان تند و تیزی داشته و همه صراحت وی را که با آن در شعر و نثرش با دیگران مجادله می‌کرده همگان میان جمع می‌شناختند. عاشق وطنش بود، معتقد بود که صاحبان اندیشه رسالت انسانی دارند از این رو تلاش می‌کرد که در طول زندگی کوتاهش این امر را محقق سازد. (شکیب انصاری، ۱۳۸۴: ۱۹۲).

او به معنای واقعی کلمه، وطن‌پرست بود و همیشه ملت را به بیداری و نشاط و حرکت تحریک می‌کرد تا قدمی به جلو بردارند. در قصیده‌ای با عنوان «الشَّعب» می‌گوید:

أَيْنَ يَأْتِي الشَّعْبُ، قَلْبُكَ الْخَافِقُ الْحَسَّاسُ؟  
أَيْنَ الطَّمُوخُ، وَ الْأَحْلَامُ؟

(دیوان، ۱۹۹۷: ۲۴۲)

مسلماناً شابی برای رسیدن به هدف مقدسی که داشت؛ شعر را در خدمت وطن و مردمش قرار داده بود. مناصب حکومتی را به تمسخر می‌گرفت مناصب حکومتی را به تمسخر می‌گیرد. در جایی می‌گوید: «من یک شاعرم و شاعر باید مانند پرنده‌ای در جنگل، گلی در دشت، موجی در دریا باشد، در دینداری به خصوص آزادی روح و چیرگی بر خواسته‌های دل و آسودگی وجدان، آزاد باشد. چگونه شاعری ممکن است زندگی کاملی داشته باشد و نزد مردم از خواسته‌های بسیار دلش سخن بگوید و یا با زندگی کارمندی آرام و قرار گیرد. آن زندگی خسته‌کننده شبیه برکه‌ای ساکن است» (باقری، ۱۳۸۹: ۲۹؛ به نقل از موسوعه الشابی، ج ۲، ص ۷۵).

این پاسخی است از طرف شاعر به خواسته خانواده و نزدیکانش که مدام به وی می‌گفتند که اگر بخواهی می‌توانی از طریق آشنایان پدرت، شهرت وی و همچنین شهرت خودت به منصبی برسی که پدرت داشت. (همان: ۷۵ الی ۷۸). شخصیت شابی اینگونه بود: شخصیتی آزاد و گریزان از سکون و فراری که حرکت